





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی ساختار روایت در قصه‌های سغدی

استاد راهنما

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور

دکتر حسین صافی پیرلوجه

پژوهشگر

سیما متین

شهریور ۱۳۹۲

ن و القلم و ما یسطرون

ن سوگند به قلم و آنچه بدان نویسند...

«قلم توتم من است...».

از استاد بزرگوار و عزیزم، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس، که سهمی بزرگ در راهنمایی بنده برای نگاشتن این رساله داشتند، نهایت سپاس و قدردانی را دارم. معلم واقعی و راستینی که هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ اخلاقی، استادی نمونه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هستند؛ همواره از ایشان آموخته و می آموزیم. از خداوند متعال سلامتی و موفقیت روزافزون ایشان را خواهانم.

همچنین از استاد بزرگوار و عزیزم، آقای دکتر حسین صافی پیرلوجه، که با مشاوره‌های بی‌دریغ و دوراندیشانه و علمی خویش مرا در تدوین این رساله یاری رساندند، کمال تشکر و سپاس را دارم. ایشان درس‌هایی بسیار بسیار... ارزشمند را که در طول سالیان تحصیل و پژوهش در هیچ کتاب و کلاس درسی، نه خوانده و نه شنیده بودم، به بنده یاد دادند. و همیشه توصیه‌ها و کتاب‌های استاد عزیزم سرلوحه کار بنده خواهد بود. سلامتی و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

از استاد عزیز و نازنینم، سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب، که خیلی خیلی... دوستشان دارم و زحمت مطالعه این رساله را کشیده و داوری آن را بر عهده داشتند و مثل همیشه نکات ارزشمند و علمی را به اینجانب متذکر شدند تشکر و قدردانی می‌کنم.

همچنین از خانواده‌ی مهربان و عزیزم، به ویژه مادر خوبم، و پدرم که همواره در طول زندگی، یاریگر و مشوق من بوده‌اند کمال سپاس و قدردانی را می‌نمایم. این رساله در حقیقت، پیشکش ناچیزی است به مادر قشنگم که دلگرمی‌ها و مهربانی‌هایش لحظه‌ای مرا به خود نگذاشته و من وام‌دار لطف بی‌حسابش بوده‌ام. همچنین از خواهر برگ گلم سارا جان، تشکر می‌کنم که در مراحل مختلف این رساله مرا یاری رساندند. از برادر عزیزم، به خاطر تمام همفکری‌ها و همدلی‌هایش نهایت قدردانی و سپاس را دارم و همچنین از خانواده‌ی عزیزش. از پروردگار عالم، سلامتی و موفقیت همه این نازنین‌ها را خواستارم. از دوستان بهتر از آب روانم که بدون مهربانی‌های همیشگی‌شان، این رساله نوشته نمی‌شد، کمال سپاس را دارم.

تهران - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیما متین

تقدیم به اولین راوی زندگی‌ام

مادر خوبم

چکیده

سرزمین سغد به علت موقعیت جغرافیایی و نیز داشتن بازرگانان حرفه‌ای در نقطه طلایی جاده ابریشم قرار گرفت. جاده‌ای که نه تنها کالای سرزمینی را به سرزمین دیگر می‌برد، بل که پلی نیز بین فرهنگ و هنر آنان می‌زد. در میان آثار برجای مانده از فرهنگ و زبان سغدی، تعدادی قصه و حکایت دیده می‌شود؛ که پژوهش حاضر، جستاری در مطالعه این قصه‌هاست. نخستین گروهی که به مطالعه جدی روایت و داستان‌پردازی پرداختند، فرمالیست‌های روسی بودند که کار تحقیقی خود را بر روی داستان از دهه دوم قرن بیستم آغاز کردند. آن‌ها در پی یافتن فرمولی برای داستان‌ها بودند که بتوان به وسیله آن شکل و یا ساختار داستان‌ها را ارزیابی کرد. از جمله سردمداران این مکتب، ولادیمیر پراپ بود که اساس کارش را بر پایه اعمال شخصیت‌های قصه نهاد. پس از فرمالیست‌های روسی، ساختارگرایان فرانسوی از جمله گریماس، تودوروف و ژنت بودند، که روایت و ساختارهای گوناگون آن را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها نیز در پی یافتن فرمولی کلی برای داستان‌ها بودند؛ ولی با گستره‌ای وسیع‌تر و مطالعه‌ای همه‌جانبه‌تر از فرمالیست‌های روسی. نگارنده بر آن است که قصه‌های سغدی را بر اساس نظریه پراپ و گریماس مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

• فصل اول

کلیات پژوهش

از زمانی که سخن گفتن را آموختیم در ما عطش داستان پدید آمد. کسانی از ما که دوران کودکی‌شان را به یاد دارند می‌دانند که، چه با اشتیاق، منتظر فرارسیدن لحظه‌ای بودیم که هنگام خواب، مادر بزرگمان در اتاق نیمه‌تاریک، پهلویمان می‌نشست و برایمان قصه می‌خواند. چرا چنین اشتیاق شدیدی به شنیدن قصه وجود دارد؟ مگر نه اینکه قصه‌های پریان، عموماً، بی‌رحم و خشن‌اند، سرشار از صحنه‌های گردن‌زنی، آدم‌خواری، تغییر شکل‌های غریب و افسون‌های شیطانی؟ شاید تصور کنید دستمایه‌های این چنین برای کودکان، بیش‌ازحد، ترسناک است؛ اما همین قصه‌ها به کودکان، این امکان را می‌دهند که در محیطی آرام و امن به شکلی کاملاً سالم با ترس‌ها و عذاب درونیشان روبرو شوند. این است افسون قصه‌ها: ممکن است ما را تا اعماق دوزخ ببرند اما در نهایت بدون زیان‌اند.

پیر می‌شویم اما تغییر نمی‌کنیم، پیچیده‌تر می‌شویم ولی در اصل همچنان شبیه خودهای دوران کودکی‌مان مشتاق شنیدن قصه‌ای بعد قصه‌ای هستیم.

قصه‌ها بیانگر هست‌ها، خاستگاه امیال، آرزوها، شرایط و وضعیت‌هایی است که داشتن آن‌ها مطلوب افراد یک جامعه است. ممکن است آزادی باشد، محصول فراوان باشد، سلامتی باشد، یافتن همسر و شوهر باشد و یا حتی نداشتن هوو و خواستن فرزند ...

قصه‌ها آیین‌هایی‌اند برای بازیابی وقایع در جامعه. قصه‌ها روایت‌هایی‌اند که اعضای یک جامعه با نقل آن‌ها، اطلاعات مفیدی دربارهٔ اجتماع و فرهنگ خود در اختیار پژوهشگر می‌گذارند.

اما روایت، کارکرد اصلی ذهن انسان است و واحدهای زبان را برای ایجاد ساختارهای بزرگ‌تر ترکیب می‌کند. روایت شالودهٔ تفکر و نوشتار ما را تشکیل می‌دهد یا به آن نظم می‌بخشد؛ گاه آن‌قدر بدیهی به نظر می‌آید که ما متوجه آن نمی‌شویم؛ یعنی درست مانند زبان یا زمان ممکن است ناپیدا باشد. نظریه‌پردازان از ارسطو به بعد، روایت را محتوای اصلی و بنیادین متون ادبی دانستند (هر چند که عده‌ای دیگر، آن را محتوای کلیهٔ متون دانسته‌اند).

روایت موضوعی صرفاً دانشگاهی یا ادبی نیست، بل که به معنای عام، کیفیتی بنیادی در انسان برای قصه گفتن و قصه شنیدن است. کودکان از سنین بسیار پایین، توانایی کسب می‌کنند که به آن «توانش روایی پایه» می‌گویند. آن‌ها از شما قصه می‌خواهند، وقتی شما می‌خواهید قبل از پایان قصه، دست از گفتن بکشید، می‌فهمند و نمی‌خواهند چشم بر هم بگذارند و می‌خواهند تا پایان قصه ادامه بدهید. این قصه‌ها در همهٔ فرهنگ‌ها وجود دارد و به راحتی از فرهنگی به فرهنگ دیگر، نه فقط قابل ترجمه که قابل فهم است. این نوع قصه‌ها که از دوران کودکی تا به الآن همراه ما بودند و هستند و خواهند بود به زعم نظریه‌پردازان روایت، «روایت‌های نمونهٔ ازلی» یا «آغازین»‌اند.

سرزمینِ پر رمز و راز ایران از دیرباز، مهد فرهنگ و تمدن اصیل بوده است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه و جاده ابریشم از دیرباز تا کنون، گذرگاه و پلی فرهنگی و تجاری میان شرق و غرب بوده است؛ دستاوردهای تجاری‌اش از میوه‌هایش انار و سیب گرفته تا فرش و عطر خوش ایرانی؛ تا فرهنگش، دینش، فلسفه‌اش، ادبیاتش و اندیشه‌اش

در این میان، سرزمینِ سغد و مرکزش سمرقند و بخارا، نقش بسیار مهمی در جاده ابریشم داشته و هنر این سرزمین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در میان آثار برجای مانده از زبان سغدی، تعدادی قصه و حکایت دیده می‌شود. تأثیر این فرهنگ و ادبیات بر سایه ملل، غیرقابل انکار است و همین درونمایه، توجه سایر ملل را به این ادبیات غنی جلب کرده است.

۱.۱. طرح مسأله

سرزمین ایران در داشتن قصه‌های عامیانه، پرمایه است. بعضی از بن‌مایه‌های این قصه‌ها، بومی است و در جاهای دیگر دیده نمی‌شود، اما بیشتر آن‌ها پراکنده شده و به سرزمین‌های دوردست در آن سوی قلمرو فرهنگی ایران دامن کشیده است. برای نمونه از تمثیل‌های سغدی و قصه‌های غیر دینی سغدی می‌توان نام برد. قصه‌هایی که با عناوین و روایت‌های مختلف در میان داستان‌های عامیانه جهان اشاعه یافته است. و زبان سغدی زبان مبدأ و منشأ قصه و یا زبان سرزمین معبر قصه بوده است. این مطلب تأییدی است بر انتقال قصه‌های بومی یا قصه‌های ترجمه شده به این زبان. قصه‌های عامیانه در ایران به گونه‌های متمایزی گروه‌بندی شده‌اند و بخش مهمی از ادبیات منشیانه فارسی را شکل داده‌اند؛ ولی ارزیابی و بررسی قصه‌ها تا حد زیادی مغفول مانده است.

می‌توان این قصه‌ها را از جنبه‌های بسیاری بررسی کرد. ارتباطات فرهنگی آن زمان بین سرزمین‌های مختلف و یا طرز ساخت و پرداخت و محیط اجتماعی آن دوره را در نظر گرفت و جنبه‌های فراوان دیگر. جدای همه این مسائل، آنچه قصه‌های سغدی را خاص جلوه می‌دهد، ویژگی‌های روایی آنان است؛ روایت نیز روشی است برای شناخت گذشته. آنچه نگارنده را به انجام این پژوهش ترغیب کرد، این است که تا به حال تجزیه و تحلیل ساختاری در این قصه‌ها صورت نگرفته است.

۲.۱. قلمرو مکانی

سرزمینِ سغد (ناحیه‌ای در امتداد زرافشان و کشکه دریا. بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروز).

۱.۲.۱. قلمرو زمانی

تاریخ نگارشِ آثار به‌جای‌مانده از زبان سغدی، از سدهٔ دوم تا دهم میلادی است.

۲.۲.۱. قلمرو موضوعی

قصه‌های سغدی

۳.۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

در آثار کهن ایران، افسانه‌ها و قصه‌های بسیاری دیده می‌شود که کمتر شناخته شده است؛ قصه‌های سغدی از جمله این آثار است. مطالعه ساختار روایی این قصه‌ها می‌تواند ما را به فهم بهتر قصه‌های ایرانی رهنمون سازد. این قصه‌ها فرصتی مناسب را برای تجربه کردن و به محک گذاشتن نظریه‌های غربی از جمله نظریه روایت در فرمالیسم روسی و ساختارگرایی فرانسوی فراهم می‌کند؛ از جهتی دیگر، مطالعه این قصه‌ها، شباهت‌های داستان‌های کهن را در میان ملل مختلف نشان می‌دهد.

۴.۱. اهداف پژوهش

هدف اصلی در این پژوهش، مطالعه ساختار روایی قصه‌های سغدی است؛ در واقع، بررسی و پاسخ به پرسش‌های طرح شده و نیز تجزیه و تحلیل داده‌ها که همگی برای شناخت هرچه بیش‌تر فرهنگ این سرزمین کهن است.

۵.۱. سؤالات پژوهش

در این پژوهش می‌کوشیم تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. از هفت شخصیت و سی و یک کارکرد روش پراپ کدام‌ها را در قصه‌های سغدی می‌توان باز یافت؟

۲. از سه جفت کنشگرهای گرماس کدام‌ها را در متن می‌توان یافت؟

۳. قصه‌های سغدی کدام یک از ویژگی سه نوع داستان قراردادی، اجرایی و انفصالی را داراست؟

۴. ساختار معناشناسی قصه‌های سغدی چیست؟

می‌توان این چهار پرسش را در پرسشی کلی مطرح کرد:

آیا فرمول‌های روایی فرمالیستی و ساختارگرایی غربی را که مبتنی بر داستان‌های روسی، یونانی، فرانسوی

و انگلیسی‌اند را می‌توان بر روی قصه‌های سغدی اجرا کرد؟

۶.۱. فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد که تقریباً تمامی قصه‌های مربوط به زبان‌های هند و اروپایی نظیر انگلیسی، فرانسوی، روسی و سغدی از ساختارهایی مشابه و تقریباً یکسان پیروی می‌کنند؛ لذا قصه‌های سغدی، قصه‌هایی تقریباً انعطاف‌پذیر و پویا هستند که می‌توان فرمول‌های روایی فرمالیستی و ساختارگرایی غربی را روی آن‌ها محقق کرد.

فرضیه‌های این تحقیق را به صورت دقیق‌تر این‌گونه می‌توان عنوان کرد:

۱. به دلیل کوتاه بودن قصه‌ها، همه سی و یک کارکرد و هفت شخصیتِ روش پراپ در هیچ‌یک از هفت قصه، تک‌تک و تماماً قابل اجرا نیست. و کارکردهای معدودی را می‌توان برای قصه‌ها پیدا کرد. البته پراپ هم متذکر می‌شود که داستانی نیست که از این سی و یک کارکرد بیرون باشد ولی در عین حال ممکن است همه این سی و یک کارکرد در داستان نباشد.
۲. با مطالعه و بررسی این قصه‌ها به نظر می‌رسد بتوان هر سه جفت کنشگرهای گریماس (فاعل و مفعول، فرستنده و گیرنده، یاری‌دهنده و بازدارنده) را در هر یک از این قصه‌ها پیدا و اجرا کرد.
۳. شاید فقط در تعدادی از قصه‌ها بتوان سه ویژگی پیمانی، اجرایی و انفصالی را بازیافت؛ به دلیل ناقص بودن و نداشتن انسجام لازم، این سه ویژگی را با همه قصه‌های سغدی نمی‌توان تطبیق داد.
۴. قصه‌های سغدی، هرکدامشان از ساختار معنایی برخوردارند، ولی نه چنان مفاهیم پیچیده و جهان شمول.

• فصل دوم

روش‌شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

قبل از اینکه روش‌های علمی برای بررسی پدیده‌های جهان پدید آیند، مباحث فلسفی تنها مبنای ارزیابی و تحلیل رویدادها نزد عالمان و اندیشمندان بود. ارائه و گسترش نظریات علمی موجب تحوّل ژرف در شیوه نگارش و روش‌های کسب معرفت در جهان شد. مطالعات علمی دقیق به کمک این نظریات باعث شکل‌گیری معرفتی جدید و ارزشمند از روابط اجتماعی شد.

آنچه تحقیقات علمی را از غیر علمی جدا می‌کند و همچنین تحقیقات علمی را از یکدیگر مشخص می‌کند، روش‌هایی است که در تحقیقات به کار برده می‌شود. پژوهش‌های علوم انسانی، امروزه، با درک مفهومی عمیق از رویدادها و پیچیدگی‌های موجود در کنش اجتماعی انسان‌ها یکدیگر را در توصیف اکتشافات و یا تبیین صحیح پدیده‌ها به چالش می‌کشند. ما نیز با توجّه به روش‌هایی که تا کنون برای مطالعه ادبیات عامیانه و شناخت قصّه‌ها استفاده شده است، به معرفی شیوه‌های طبقه‌بندی و بررسی قصّه‌ها و افسانه‌ها خواهیم پرداخت.

اولین کسانی که به قصّه و جمع‌آوری قصّه پرداختند، برادران گریم بودند. آن‌ها قصّه‌های عامیانه آلمانی را جمع کردند و با ویرایش و تصحیح خود، بدون آنکه از شیوه خاصی پیروی کنند، به چاپ رساندند. آن‌ها معتقد بودند که می‌توان اساطیر خدایان و پهلوانان قدیم را از روی این قصّه‌ها بازسازی کرد. ادوارد تایلر^۱ مردم‌شناس مکتب بریتانیا نشان داد که اسطوره‌های اقوام بدوی در میان مردم امروزی قابل مشاهده است و مراحل تحوّل و تکامل آن‌ها را بررسی کرد. آندره یولان^۲ از روش او پیروی کرد و بن‌مایه‌های قصّه‌های اروپایی را با قصّه‌های آریایی و اسطوره مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که بنیان و اصل قصّه‌ها به آداب و اعتقادات انسان‌های پیش از تاریخ می‌رسد (ن. ک شیانو، ۱۳۶۲). بعد از آن تئودور بنفی^۳ مقدمه‌ای ششصد صفحه‌ای بر کتاب پنچه تتره^۴ نوشت و تمام گونه‌ها و تحریرهای مختلف هریک از قصّه‌های پنچه تتره را تجزیه و تحلیل کرد و یادآور شد که به استثنای قصّه‌های حیوانات که اصلاً یونانی‌اند، قصّه‌های جادویی و قصّه‌های پریان هندی بودایی هستند. ژوزف بدیه^۵ یکی از معروف‌ترین افراد در باب قصّه‌های عامیانه، مدّعی شد که قصّه‌ها خاستگاه‌های متعدد دارند و مشابهت قصّه‌ها فقط در مشخصه‌های کلی است. یولیوس کروهن^۶ و کارل کروهن^۷ با این عقیده مخالفت کردند. کارل کروهن نظریات و روش کار خود را در کتابی به نام روش کار فولکلوریک در سال ۱۹۲۶ چاپ کرد و کتاب راهنمای پژوهندگان مکتب تاریخی-جغرافیایی در فولکلورشناسی گشت. اما از میان گونه‌های مختلف ادبیات عامیانه، قصّه‌ها بیش‌تر توجّه پژوهشگران را

^۱ Edward Taylor

^۲ Andree Yulang

^۳ Theodor Benfey

^۴ این کتاب، همان کلیله و دمنه است به زبان سنسکریت.

^۵ Joseph Bedier

^۶ Julius Krohn

^۷ Karle Krohn

به خود جلب کردند. بر این اساس، پژوهش‌های مربوط به شکل‌شناسی قصه‌های عامیانه، گونه‌های مختلف یک قصه بر حسب زمان و مکان توزیع و انتشار آن‌ها دسته‌بندی می‌شدند و محققین مکان اصلی و راه‌های کوچ و مهاجرت قصه کهن اصلی را پیدا می‌کردند. برخی از این مطالعات در سلسله انتشارات Folk Fellows Communications در هلستینکی به چاپ رسید. برای دست یافتن به تعداد گونه‌ها و روایت‌های مختلف قصه در سطح بین‌المللی، فولکلورشناسان فهرست نامه‌ها و کتاب‌هایی درباره رده‌بندی نوع‌های قصه نوشتند. نخستین فهرست نامه انواع قصه‌ها را محقق فنلاندی آنتی آرن^۸ در سال ۱۹۱۰ منتشر کرد. محقق امریکایی، استیث تامپسن،^۹ در سال ۱۹۲۸ و ۱۹۶۱، نسخه‌ای با ویرایش گسترده که همه گونه‌های موجود در فهرست نامه‌ها و آرشیوهای ملی کشورهای مختلف را دربرداشت منتشر کرد.

استیث تامپسن در سال ۱۹۳۰ کتابی به نام *فهرست بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه* در شش مجلد به چاپ رساند. ویرایش جدید این کتاب که در سال ۱۹۵۰ انتشار یافته، تمام بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه جهان را، طبقه‌بندی شده، دربر دارد و کتابی مرجع برای تمامی پژوهش‌های فولکلوریک است.

یکی دیگر از کسانی که به طبقه‌بندی و سنخ‌شناسی قصه‌های عامیانه پرداخت، کارل ویلهلم سیدو^{۱۰} بود. او معتقد بود که باید خانواده یا مجموعه‌ای از سنخ‌های وابسته را در محیط تشکّل قومی آن‌ها بررسی کرد. از جمله روش‌های دیگر در بررسی قصه‌ها، تحقیق مقایسه‌ای میان روایات شفاهی و صورت‌های مکتوب ادبی است. گروهی از دانشمندان، منابع کهن خطی و چاپی را در جست‌وجوی بن‌مایه‌ها و سرچشمه قصه‌های عامیانه می‌کاوند. دو فولکلورشناس بسیار مطرح در این گرایش، اولتس روهریخ^{۱۱} و الفریده موزر رات^{۱۲} و کتاب ژوزف ژورفی^{۱۳} درباره منابع قصه‌های ایرلندی است. سبک و شکل قصه‌های عامیانه را نیز متخصص نامدار سوئیسی ماکس لوتی^{۱۴} مورد تحقیق قرار داده است.

یکی دیگر از کسانی که به طبقه‌بندی قصه‌ها همّت گماشت، اولریش مارزلف^{۱۵} بود که کار او در واقع، کامل‌کننده کار آرنه تومپسون^{۱۶} بود. میدان پژوهش تومپسون قصه‌های سراسر جهان بود. مارزلف این کار را با طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی ادامه داد و محققان ایرانی از روش مارزولف نیز پیروی کرده‌اند. مارزلف کوشیده است، با استفاده از روش آرنه تومپسون قصه‌های ایرانی را طبقه‌بندی کند. وی هفتاد و هفت سنخ را خود، و چهل و شش سنخ فرعی را از فهرست آرنه تومپسون استفاده کرده است. وی به وجود ۲۲۸ سنخ در قصه‌های فارسی قائل است. او ذکر کرده که کدام داستان از کدام استان شنیده شده است. کار مارزلف

^۸ Antti Aarne

^۹ Stith Thompson

^{۱۰} Carl Wilhelm von SYDOW

^{۱۱} Lutz Rohrich

^{۱۲} Elfriede Moser Rath

^{۱۳} Joseph Szoverffy

^{۱۴} Max Luthi

^{۱۵} Arne Thompson

^{۱۶} Maarzloav

۱۳۰۰ متن را دربر می‌گیرد که این ۱۳۰۰ متن را سایر محققان ایرانی و اروپایی جمع‌آوری کرده‌اند. مارزلف، بسیار نکته‌سنجانه، به قصه‌ها پرداخته است. او قصه‌های ایرانی را به هفت دسته تقسیم می‌کند: قصه‌های حیوانات، قصه‌های سحر و جادوگری، قصه‌های مقدّسین و قصه‌های تاریخی، قصه‌هایی با جنبه داستان کوتاه، قصه‌های مربوط به دیو ابله، قصه‌های خنده‌دار و لطیفه‌ها، قصه‌های مسلسل و مربوط به هم. وی مفاهیم قصه‌های مختلف را به عنوان سرفصل می‌آورد؛ مانند انجام دادن وظایف مشکل، حيله، قصد قتل در خواب، مادر، اعضای خانواده خود را می‌کشد؛ سپس مفهوم آن را توضیح می‌دهد و قصه‌هایی را که این مفهوم در آنها وجود دارد فهرست می‌کند، و در انتها بن‌مایه‌ها را توضیح می‌دهد (ن. ک: مارزلف، ۱۳۷۱).

۲.۲. روش گردآوری اطلاعات

شیوه اصلی در این مطالعه، روش مطالعه آرشیوی و کتابخانه‌ای است. شناسایی و مطالعه و یادداشت‌برداری از منابع و مآخذ مکتوب (انتشار یافته و نیافته) در کتابخانه‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی. مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه ملک، کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی، کتابخانه ملی ایران، کتابخانه دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، کتابخانه مرکزی و کتابخانه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. برای دریافت مدارک، نقشه‌ها به مراکز مراجع شد، از جمله مهم‌ترین این مراکز: سازمان اسناد ملی ایران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی؛ رونوشتی از برخی دست‌نوشته‌ها تهیه گردید. و نیز برای دریافت نسخه خطی قصه‌ها به سایت دانشگاه‌های علمی جهان مراجعه شد، متأسفانه هیچ موردی یافت نشد. سایت‌هایی چون:

www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/m/dta_m_index.htm

www.uni-frankfurt.de

www.uni-goettingen.de

www.uu.se

۳.۲. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش، هفت قصه از قصه‌های سغدی انتخاب شده است و با روش توصیفی - قیاسی به بررسی آن‌ها با دیدگاه‌های ولادیمیر پراپ و جولوس گریماس پرداخته‌ایم.

دلیل انتخاب روش:

ساختارگرایی، و به ویژه، روایت‌شناسی از راهکارها و رویکردهایی است که می‌تواند ساختارهای اصلی و هسته مرکزی متون روایی کهن را فراروی دید کاربران قرار دهد.

مسئله دیگر، ساختار قصه‌ها تا حد زیادی، انعطاف و انسجام لازم را ندارند و نیز اینکه بسیاری از دست‌نوشته‌های قصه‌های سغدی از بین رفته؛ در نتیجه، قصه‌ها ناتمام مانده است، و با دیدگاه‌های هر نظریه پرداز روایی، قابل تجزیه و تحلیل نیستند؛ لذا، فقط می‌توان با قوانین جهان شمول این دو نظریه پرداز تطبیق داد.

در فصول مختلف این تحقیق، به شناخت منابع نظری تحقیق، پیشکسوتان پژوهش در زمینه قصه و افسانه، پیشینه نظری روایت، نظریه فرمالیسم و ساختارگرایی خواهیم پرداخت. و در پایان، تجزیه و تحلیل قصه‌های سغدی و نتیجه‌گیری از این روش (روش ولادیمیر پراپ و گریماس) ارائه خواهد شد.

• فصل سوم

مروری بر ادبیات موضوع

پژوهش

۱.۳. پیشینه موضوع پژوهش

در این بخش به بررسی تعدادی از پژوهش‌های خارجی و داخلی که موضوع آن‌ها مرتبط با موضوع قصه و روایت است، خواهیم پرداخت.

شایان ذکر است پس از جست‌وجوی کاملی که در منابع داخلی و حتی خارجی صورت گرفت به جز یک مورد - که در ادامه، بررسی خواهد شد- تحقیق یا پژوهشی اختصاصی که با این عنوان (ساختار روایت در قصه‌های سغدی) انجام شده باشد یافت نگردید.

در نیمه دوم سال ۱۹۸۰، تلاش‌های بی‌سابقه‌ای در زمینه مطالعات سغدی آغاز شد. رشد و شکوفایی این مطالعات به علت مکاشفات جدید در چین، دیدگاه تازه‌ای را به فهم هرچه بیش‌تر نقش تاریخی سغدیان اضافه می‌کرد. اطلاعات باستان‌شناسی پراکنده‌ای از جماهیر شوروی در اروپا منتشر شده بود، زیرا نه تنها محققین باسابقه و قدیمی به نشر کتاب‌های خود، خارج از جماهیر شوروی موفق شدند، بل که مجلاتی مانند نشریه بنیاد آسیایی (امریکا، سالنامه از سال ۱۹۸۷) و مجله هنر و باستان‌شناسی جاده ابریشم (ژاپن، سالنامه از سال ۱۹۹۰) نیز در ارتباط با آسیای مرکزی به وجود آمد.

مطالعات سغدی از آغاز قرن بیستم تا کنون متوقف نشده است اما بخش اصلی این مطالعات، محدود به فعالیت زبان‌شناسی است که بر روی متون برجای‌مانده کار کرده‌اند و هم اکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی از این مطالعات چاپ شده است.

همان‌طور که ذکر شد، مطالعات سغدی بیشتر به حوزه زبانی اختصاص یافته و کمتر از جنبه‌های دیگر بررسی شده است. ولی در کتاب *قصه‌هایی از سغد* (زرشناس، ۱۳۸۹) جدولی بر پایه ساختار برخی قصه‌ها و تطبیق آن با فهرست آرنه-تومپسون (۱۹۷۳) و مارزلف (۱۳۷۱) تدارک دیده شده است. همچنین مؤلف در کتاب *قصه‌هایی از سغد*، به پیشینه مطالعاتی قصه‌های عامیانه ایران پرداخته‌اند، که در این پژوهش به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«تئودور بنفی^{۱۷} هندشناس در «نظریه هندی» خود مدعی شد که ریشه قسمت اعظم قصه‌ها و

افسانه‌هایی را که در اروپا وجود دارد، باید در هندوستان جست، و همه دانستند که سرزمین ایران را از نظر سیر و سفر احتمالی قصه‌ها از مبدأ خود باید معبر بالقوه به شمار آورد. پس از نظریه بنفی، خاورشناسانی چون اسکارمان^{۱۸}، کریستین سن^{۱۹}، لریمر^{۲۰}، هانری ماسه^{۲۱} و الول ساتن^{۲۲} و بسیاری

^{۱۷} Theodor Benfey

^{۱۸} Oskarman

^{۱۹} A. Christensen

^{۲۰} D. L. R. Lorimer

^{۲۱} H. ase

^{۲۲} L. P. Elwell Suten